

از ویژگی های منحصر به ف

لذت ماندگاری در فضای

مصطفی فاطمی نسب - قدم زدن بر سنگفرش های پیاده رو خیابان ابن سینا در یک هوای به نسبت سرد و خنک ظهر زمستانی، آن هم در راسته خیابان منتهی به چهارراه دکترا و محدوده کتابفروشی انتشارات امام، انسان را ناخودآگاه به سمت گرمی فضای داخل قدیمی ترین کتابفروشی چهارراه دکترا می کشاند. خصوصا اگر از خلوص و پاکی صاحب آن اطلاع داشته باشی و این پیر خردمند را از نزدیک بشناسی؛ ۳۸ سال است که به فرهنگ این شهر خدمت کرده است و سختی ها کشیده تا مشهد تشنه هیچ گونه کتاب کمیابی در هیچ زمینه ای نباشد. شاید به جرت بتوان گفت کتابخوان و کتابدوستی در شهر نیست که انتشارات امام را نشناسد. تقریبا همه اهل مطالعه چندبازی پایشان به این محل باز شده است و صاحب سالخورده آن را تا حدودی می شناسند. اما قرار این هفته ما پرديس کتاب است؛ مکانی که حاج رضای رجبزاده، مؤسس و مدیر کتابفروشی «امام» پس از ۱۰ سال پیگیری برای کسب مجوزهای لازم، شامگاه جمعه ۲۲ مردادماه ۹۵، در فضایی معادل یک هزار متر مربع و در سه طبقه، در خیابان ابن سینا مشهد راه اندازی کرد و به همراه فرزند خود علی رجبزاده کار اداره آن را بر عهده گرفت. این هفته از حال و هوای مخاطبان و نظراتشان درباره این مکان گزارشی تهیه کرده ایم که در ادامه می خوانید.



نپودنگاه در آمدزایی صرف

محسن قیاسی، مخاطب همیشگی پردیس کتاب که از ابتدای تأسیس این مکان همواره مشتری پروپاقرص اینجا بوده است، از ویژگی های منحصر به فرد این مکان چنین می گوید: من تقریبا از همان سال پیش که این مکان شروع به فعالیت کرد به این مکان سر می زنم. جای بسیار دنجی است. برای خرید و مطالعه اینجا می آیم. ویژگی خاصی که من را از بین همه کتابفروشی های سطح شهر به اینجا می کشاند، بزرگ بودن این مکان است. همین نحوه چینش کتاب ها در این مکان و فاصله ای که بین قفسه های آن وجود دارد، باعث می شود که هر چقدر هم مردم رفت و آمد کنند، باز آدم بتواند راحت به مطالعه و تروق کتاب های موجود بپردازد. مثلا اگر در همین قفسه اسطوره که من مشغول مطالعه هستم، سه یا چهار نفر دیگر هم بایند، باز هم می شود راحت مطالعه کرد.

او در پاسخ به این سؤال که چه کتاب هایی را بیشتر از اینجا می خرید و مطالعه می کنید، می گوید: عموما کتاب ها را نگاه می کنم. خصوصا تازه های کتاب و قسمت رمان و فلسفه را دنبال می کنم. اما حوزه تخصصی من ادبیات فارسی و مولانا پژوهی است که برای این زمینه قسمت ادبیات را دنبال می کنم. البته به حوزه اسطوره شناسی و دین پژوهی هم علاقه دارم. قیاسی از نشست های ادبی روز جمعه این مکان هم خبر دارد و می گوید: چیزی که به نظر من پردیس کتاب را از سایر کتابفروشی های سطح شهر متفاوت کرده است، ارتباط فرهنگی خوب آن با نخبگان و افراد علمی و هنری سرشناس است. این ارتباط فقط مختص مشهد نیست و با تهران هم ارتباطات فرهنگی خوبی دارند. گاهی می شنویم که یک نویسنده یا شاعر برای یکی دوروز از تهران به مشهد آمده است و بلافاصله می بینیم که پردیس کتاب آن شخص را دعوت می کند و جلسه ای برای بررسی و نقد کتاب با حضور آن شخص برگزار می کند.

او یکی دیگر از مزیت های دیگر این مکان را نوع نگاه صاحب آن به مقوله کتاب و کتابخوانی می داند و می گوید: من نمی خواهم درباره کتابفروشی های دیگر شهر صحبتی بکنم اما به نظرم بیشتر کتابفروشی های سطح شهر، درآمد محور هستند، در حالی که کسانی که اینجا فعالیت می کنند، دغدغه فرهنگی دارند. در واقع نیت این مکان در آمدزایی صرف نیست و پشت آن یک اندیشه فرهنگی نهفته است. این مسئله هم بر می گردد به غنای فرهنگی ای که خانواده آقای رجبزاده دارند. من پدر ایشان، حاج آقای رجبزاده را هم می شناسم. سال ها پیش با انتشارات امام در ارتباط بودم و از آن طریق با این مکان آشنا شدم.

فضای آرام با طراحی زیبا

رضایاوری، دیگر مخاطب پردیس کتاب است که به همراه کودک هفت هشت ساله اش در لابه لای قفسه کودک و نوجوان در حال گشت زنی است. نظر او را درباره ویژگی منحصر به فرد این مکان می پرسیم؛ می گوید: دفعه دوم است که به اینجا می آیم. یکی از ویژگی های مهم اینجا به نظرم محیط

اینجاست؛ فضای بسیار آرام و طراحی بسیار خوبی که دارد، باعث شده است بتوانید خیلی راحت هر چیزی را که می خواهید، پیدا کنید. یکی دیگر از ویژگی های خوب این مکان تنوع محصولات فرهنگی آن است؛ از بازی های فکری گرفته تا کتاب هایی در موضوعات مختلف همه در دسترس است.

می گوید: «من خودم برخی کتاب های خارجی اینجا را نمی پسندم، چون معتقدم همراه با آن یکسری آداب و رسوم خاص که مناسب فرهنگ ما نیست، وارد فرهنگ ما می شود. البته خودم بیشتر به کتاب های آموزشی علاقه دارم.»

صنایع دستی خاص

سارا علمی، مراجعه کننده دیگری است که در قسمت موسیقی و صنایع دستی با چشمش مدام انواع نمونه ها و قفسه های صنایع دستی را بالا و پایین می کند و دنبال کالای منحصر به فرد خود است. جلومی روم و سلام می کنم، بی مقدمه می گوید: من نیستم آقا! از آن خانم پشت میز بپرسید! می گویم خبرنگارم، کمی اخمش باز می شود و عذر خواهی می کند.

از او می پرسیم که چقدر با قفسه صنایع دستی آشنایی دارید که در جواب می گوید: این قسمت را هدف دارم می آیم؛ چون به کارهای دستی علاقه دارم. دلیل انتخاب این مکان هم صنایع دستی خاص اینجا است. من به خیلی از مغازه های صنایع دستی سطح شهر سر می زنم. باید بگویم که صنایع دستی اینجا خیلی خاص تر از مکان های دیگر است. از طرفی محصولات فرهنگی اینجا خیلی گسترده است. البته من به خاطر همین گستردگی نمی توانم اینجا کتاب انتخاب کنم و بیشتر به صورت شخصی سفارش می دهم.

کار گزارش توصیفی از مخاطبان تمام شده اما یک سؤال مثل خوره به جانم افتاده و اگر سؤال را از مدیر این مکان نپرسم، امشب خوابم نمی برد؛ به علی رجبزاده می گویم، چه دغدغه ای دارید که مخاطبان شما احساس می کنند نگاه شما در آمدزایی صرف از این مکان نیست، به گوشه ای



نیت این مکان در آمدزایی صرف نیست و پشت آن یک اندیشه فرهنگی نهفته است. این مسئله هم بر می گردد به غنای فرهنگی ای که خانواده آقای رجبزاده دارند